

# کفتگو

پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## اسلامی شدن دانشگاه‌ها

گفتگو با دکتر جعفر بوالهری\*

س: به عنوان اولین سؤال؛ حضرت عالی چه تعریفی از دانشگاه اسلامی دارید؟

ج: در تعریف دانشگاه اسلامی، هر چند نمی‌توان تعریفی کلاسیک ارائه داد، اما استنباط من اینست که دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که تمام وجوه و ابعادش مورد پذیرش دین اسلام بوده و هیچ‌گونه مغایرتی با اصول، آموزش‌ها و استنباط‌های اسلامی نداشته باشد. در عین حال این تعریف به معنی غیر علمی بودن، غیر پژوهشی بودن و یا غیر انسانی بودن دانشگاه اسلامی نیست. از دیدگاه اکثر علما و صاحب‌نظران، از جمله مقام معظم رهبری؛ مقوله‌ی علمی، توجه به ارزش‌های اخلاقی - انسانی و رعایت استانداردهای قابل قبول پژوهشی، دقیقاً از وجوه تردیدناپذیر دانشگاه اسلامی است.

س: برخی بر این باورند که ما می‌توانیم علم را به صورت اسلامی، مانند؛ فیزیک اسلامی، هندسه‌ی اسلامی و... داشته باشیم. حتی در این خصوص کتاب‌هایی هم منتشر شده است. از سوی دیگر، عده‌ای عقیده دارند که این

\* - عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران و رئیس انستیتوی روانپزشکی تهران.

گونه نیست! علم ماهیتاً چیزی از خود ندارد و علوم پایه، یک علم محض است، آن استفاده و نگاه ما است که چنین برداشتی می تواند داشته باشد.

در این زمینه نظر حضرت عالی چیست؟

من فکر می کنم بیشتر بعد دوّم مفهوم تر است، البته بعد اوّل هم تا حدی می تواند واقعیت داشته باشد. به این معنی که علم یک رشته ای یا بخشی از شناخت بشری است که به این شکل در آمده است.

می دانیم که علم بشری، اول ابتدایی بوده، بعد آمده خیلی خرافی و مرتبط با ادیان، عرفان و فلسفه شده و بعد آمده یک ساختار مشخص گرفته که خطاپذیری آن بسیار پایین است. مثلاً در رابطه با کامپیوتر، ما همیشه با مغز مقایسه می کنیم، ببینید چقدر قابل اعتماد است و مغز چقدر خطاپذیر است، و انسان صالح و مؤمن و معتقد چقدر خطاپذیر است و کامپیوتر چقدر خطاناپذیر است. دیگر نمی توانیم بگوییم آن کامپیوتر غیر اسلامی است و آن انسان کاملاً اسلامی است. وقتی شما سقوط را با یک سرعت مشخص در یک سیب یا جسم می بینید، مگر می توانید بگویید که این مغایرت با سنت های الهی دارد، مگر می توانید بگویید این بعد دینی ندارد؟ فرض کنید یک حکیم دینی این را رد کند یا بگوید این در دین نیامده است. علم راه خودش را بیان می کند، این ما هستیم که به عنوان یک عالم، چشم و گوشمان را ببندیم و بگوییم که همین هست و دیگر غیر از آن چیزی که ما می بینیم و آزمایش می کنیم، نیست. و یا نه، بگوییم یک بخشی را ما شناختیم و بخش های فراوان دیگر هم هست که وجود دارد و برای ما ناشناخته است، و آن بخش ها را خیلی از پیامبران و ائمه که ارتباط فراعلمی و فراطبیعی دارند، بیان کرده اند. منتهی ما باید ببینیم که چقدر بیانشان درست و بدون خطاست. آیا آن خطا در مبدأ وجود داشته؟ آیا کسی خود را جای پیامبر جا زده؟ بنابراین من معتقدم که اگر این دید کلان را نسبت به مقوله های علمی داشته

باشیم، خیلی مشکل نخواهیم داشت که حالا این قانون دینی است و یا علمی است، این برمی‌گردد به اختلاف نظرات و سلیقه‌های ما، که ارتباطی به علم دین ندارد.

س: از نظر جناب عالی، اسلامی شدن دانشگاه‌ها یک فرایند است یا پروژه؟

به نظر می‌رسد که اسلامی شدن دانشگاه‌ها هم فرایند است و هم پروژه. بایستی یک فرایند و برنامه‌ی بلندمدت باشد، که یک استراتژی و سیاست کلان نیز محسوب می‌شود. حالا در این فرایند بدون شک بایستی پروژه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت، درازمدت، محلی، منطقه‌ای و شاید هم جهانی داشته باشیم. پروژه‌هایی نیز در حیطه‌ی سازمانی، ساختاری، پژوهشی، آموزشی، اداری و... بایستی در این فرایند، تعریف شده و اجرا شوند. در اسلامی شدن دانشگاه نیز، چون دانشگاه یک سازمان و ساختار است، ابتدا بایستی وضع موجود آن را تحلیل نماییم، سپس برنامه‌های عادی یا استراتژیک یک ساله، دوساله، ده ساله، بیست ساله و... طرح نماییم و بعد در مرحله‌ی بعدی، این ساختار یا سازمان را به مرحله‌ی برنامه‌ریزی شده برسانیم.

س: با توجه به اینکه حضرت عالی هم در دوران قبل و هم بعد از انقلاب در دانشگاه حضور داشتید و با عنایت به فعالیت‌هایی که پس از انقلاب در خصوص اسلامی شدن دانشگاه‌ها صورت پذیرفته، از نظر جناب عالی آیا فضای دانشگاه‌ها نسبت به قبل از انقلاب تغییر پیدا کرده است؟

در این رابطه در بُعد کمی یک مقدار تغییرات داشته‌ایم، مثلاً فرض کنید، دیدن موی زن مسلمان حرام است، یا خرید و فرش لوازم حرام، حرام است و... در این راستا یک سری محدودیت‌ها و پیشرفت‌ها و یکسری موفقیت‌ها در بُعد دینی و فرهنگی مشهود است.

ولی در عمق تحوّل فکری نسل جوان نه! مثلاً رژیم گذشته از سال ۴۲ تا ۴۷ که ما وارد دانشگاه شدیم، جوّ خفقان و ضداسلامی شدیدی را در کشور و دانشگاه‌ها به راه انداخته بود. در سال ۴۷ ما شاهد رکود عظیم و مطلق فعالیت‌های دینی و فرهنگی در دانشگاه‌ها بودیم، اما به فاصله‌ی کوتاهی، ما قدم قدم به جایی رسیدیم که دین و اسلام در سطح بصورت کمی و در عمق بصورت کیفی گسترش پیدا کرد، تا حدی که ما در سال ۴۷ بطور رسمی کتابخانه‌ی اسلامی در دانشگاه تأسیس نمودیم. یعنی فعالیت‌های اسلامی به سرعت علنی شد و گروه‌های کوه، هنر و... تشکیل شده و سخنرانی‌های متعددی در دانشگاه و خارج از آن شکل یافت و به سهولت، پیوند عالی بین روحانیون و جامعه، به خصوص در فضای دانشگاه (که از امنیت بیشتری برخوردار بود) برقرار گردید. به سرعت تحولات سریع و عمیق با پیام انقلاب امام (ره) در قشر روشنفکر جامعه به ظهور رسید. اما امروزه چنین احساس می‌شود که عکس آن اوضاع در جریان است، هر چند شما در ظاهر احساس کنید که؛ خلاف کمتر انجام می‌دهید یا کمتر وسوسه می‌شوید، ولی این قضیه در مورد کسانی است که ابزار و وسایل خلاف از سر راهشان برداشته شده است، ولی اگر بخواهید به سمت خلاف بروید همه‌ی ابزار فراهم است؛ آن هم با به زیرپا گذاشتن عمیق همه‌ی ارزش‌ها. من احساس می‌کنم که موفقیت‌ها نسبت به امروز در قبل از انقلاب بیشتر بوده و سیر صعودی داشته است.

س: از نظر شما علل نزول تفکر اسلامی جوانان پس از انقلاب چیست؟

هر چند این مبحث مربوط به علم جامعه‌شناسی است، اما به نظر می‌رسد یک بُعد آن به مساله‌ی اقلیت و اکثریت باز می‌گردد، به این معنی که اقلیت‌ها همیشه برای بقا و دوامشان تمام سعی و کوشش خود را بکار می‌برند، اما به محض این‌که به اکثریت رسیدند، احساس می‌کنند که اکثریت نیاز به کوشش ندارد.

عَلت دیگر را می‌توان در حکومت، قدرت و مدیریت سازمانی جستجو نمود. مثلاً در زمان رژیم سابق، مدیریت سازمانی در خصوص رواج بی‌حجابی و بی‌دینی بسیار غلط عمل کرد و این کمک بزرگی بود که اقلیت، ابزار و لوازم را به سرعت در دست بگیرد، و اپوزوسیونهای مخالف توانستند در داخل و خارج از کشور رشد نمایند. امروزه نیز احساس می‌کنیم که مدیریت بد عمل می‌نماید. در دوره‌ی رژیم قبل، اقلیت به نفع دین در تلاش بودند، ولی امروز اکثریت، اکثریتی که دولت، مجلس و... در دستانش است و هیچ احساس نگرانی نمی‌کند. در واقع دغدغهی امروز مسئولین ما روزمرگی ساختاری است و نگرانی عمیقی ندارند که مثلاً در خصوص تحقیق عمیق فرهنگی به خود زحمت دهند.

پس در یک جمع‌بندی در خصوص راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، به چند مورد اشاره شد، اول مبحث اقلیت و اکثریت؛ دوم سازمان مدیریتی حاکم در کشور و نحوه‌ی عملکردش و سوم به کارگیری علم. در طول سال‌های مطالعه و تحقیق به یافته‌هایی نیز دست یافته‌ایم، در این یافته‌ها هیچ کجا علم با دین مغایرت نداشته است. از سوی دیگر بیان علما نیز همین است، یعنی آن چیزی را که علم می‌گوید، و آن چیزی را که عقل می‌گوید همان است که دین بیان کرده است.

س: با توجه به اینکه حضرت عالی به طور مستقیم با دانشگاه ارتباط دارید و با عنایت به بحث اسلامی شدن دانشگاه‌ها، وضعیت فعلی دانشگاه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما هنوز شاخصه‌های اسلامی بودن را تعریف نکرده‌ایم و همچنین در خصوص میزان شاخص‌ها نیز توافق به عمل نیامده، یعنی این که نماز خواندن، روزه گرفتن و مسجد رفتن به عنوان شاخص‌های دینداری پذیرفته شده است، اما هنوز در این مورد توافق نشده است که چند درصد مردم نماز بخوانند، جامعه

اسلامی می شود.

کار بسیار سختی است [که] ما بتوانیم برای هر کدام از کتاب، استاد، کارمند و دانشجو شاخص تهیه نماییم و بر اساس آن شاخص ها در خصوص اسلامی بودن دانشگاه اظهار نظر نماییم. اما از طرف دیگر می توانیم بگوییم که دانشگاه ها نسبت به جامعه خیلی دچار بحران و مشکل فرهنگی، دینی و اسلامی نیستند، چرا که در بین دانشگاهیان خالص ترین نیروها اعم از استاد و دانشجو وجود دارند. اما به طور کلی با توجه به دید شخصی که نسبت به دانشگاه اسلامی دارم، وضعیت فعلی دانشگاه ها را به هیچ وجه وضعیت مطلوبی نمی دانم.

در یک جمع بندی از مباحث مطرح شده، بایستی گفت که اسلامی شدن؛ واژه، موضوع و سوژه‌ی خوبی است، این موضوع را نیز بایستی به نوعی تعریف نماییم که تحریف در آن نباشد. بعد این یک روند درازمدتی است که بایستی به پروژه‌های مختلف دانشکده‌ای، کشوری، محلی، منطقه‌ای و... تقسیم شود. سپس حتماً الگوی طرح‌ها و پروژه‌های علمی، فرهنگی و مدیریتی داشته باشد، و متکی به تجارب موفق دنیا باشد. در مرحله‌ی بعدی دانشگاه را به صورت یک ساختار و سازمانی در نظر بگیریم که نیازمند است که به وضع مطلوب هدایت شود و کارشناسان مرتبط با موضوع در خصوص آن فعالیت نمایند. فکر انجام و طراحی این پروژه‌ها، بایستی در مراکز بزرگ تحقیقات استراتژیک صورت گیرد، البته نه استراتژیک فرمایشی که وابسته به یک فرد یا سازمان خاص باشد. همچنین این مرکز دائماً مورد ارزیابی داخلی و خارجی و ارزشیابی درونی و بیرونی قرار گیرد. از طرف دیگر، اگر در کنار واژه‌ی اسلامی شدن واژه‌های دیگری همچون معنوی شدن یا مذهبی شدن را بگذاریم، طرفدار بیشتری را در دنیا جذب خواهیم نمود، و فضای علمی و عمومی بیشتری خواهد داشت که در استفاده از تجربه‌ی عمومی برای ما مفید است.